**مصاحبه در محل تولید**

**تاریخ 26 اگست 2018**

**مصاحبه‌دهنده: ABNPrivaKabul26082018**

...[نام] هستم مدیر عمومی همین شرکت. ما در همین شرکت که هستیم، این شرکت که است تولیدات وطن است. همینجه جور میشه. و همین شرکت، تولید ازی مصالح‌جات است. برای طعام آشپزی. ما همین انگیزه برای ما این شد که ما ره این ره ایجاد کردیم. که از دیگر کشورهای بیرون بعضی موادهای بی کیفیت می آمد و چون غذا بسیار مهم است، به صحت، به همه چیز، ... که باید خیلی سرش توجه شود. دیگه [از همین خاطر] ما خواستیم همین شرکت ره راه اندازی کنیم. جور کنیم و از موادهای طبیعی خالص، اینها جمع آوری شوه...اینجه آوردیم. مثلا ترکیباتش است و بعضی جنجال ها داره که آنها را کدیم. بالآخره یک چیزی جور کدیم که بسیار خالص و طبیعی است. هر کس که استفاده کنه از این هیچ نوع ضرر و نقصان به او نرسه.

ک: شرکت چه تعداد کارگر داره؟

ABNPrivaKabul26082018: شرکت خو فعلا در حدود چهار نفر کارگر داره. چون نو است...چون حدود سه ماه میشه که ما سر این فکر کدیم و پلان کدیم و این ره جور کدیم و موادهای خوده آوردیم. بالآخره مثلا قوطی ها جور شد و موادها ترکیب شد و فورمول هایشه گرفتیم. دیگه در حدود سه ماه میشه.

ک: سه ماه است که فعال است؟

ABNPrivaKabul26082018: بله.

ک: شرکت قبلا در جای دیگری بود یا ...؟

ABNPrivaKabul26082018: نخیر نه. فقط همین سه ماه، گفتم برایتان، همین طور...بار اول است که شروع شده. فقط همین سه ماه میشه. همین جایش است. از همینجه شروع کردیم.

ک: باز چهار نفر کارگر عادیست؟ بخشِ...شما هم خود را در این جمع حساب می کنید؟

ABNPrivaKabul26082018: نخیر نه. ما اینجه فقط مدیریت و بعضی بازاریابی ها و کنترل بازار ره پیش می بریم.

ک: در مجموع، هم تعداد کسانی که کار می کنند و هم در بخش مدیریت، در مجموع چند نفر میشه؟

ABNPrivaKabul26082018: خو، اینجه خو، با مدیریت میشه پنج نفر [با تون نامطمین]

ک: پنج نفر میشه...درست!

ABNPrivaKabul26082018: و ما در این کوشش هستیم که به خیر این را زیادتر بسازیم. توسعه بتیم. دیگه در این کوشش هستیم که یک ذره کارمان خوبتر پیش بره. بعضی ماشین آلات ره بیاریم که تمام کارها را آنها کنه. ماشین فقط کار کنه.

ک: درست است. کارگرها ره چی گونه معاش می دهید؟

ABNPrivaKabul26082018: معاشش ماهانه است.

ک: ماهانه معاش می دهید؟

ABNPrivaKabul26082018: بله ها.

ک: قرارداد وضع می کنند، چی رقم؟

ABNPrivaKabul26082018: فعلا خو قراداد وضع کرده نمی توانیم چون کار است. یک کس می خواهه ادامه بده. یک کس نمی خواهه ادامه بته. چون کار هم نو است. اون قدر زیاد مردم هم همراهش آشنا نیست. به او خاطر قرارداده همراهشان نمی کنیم. فقط هر ...تا مدتی ره که خواستند می توانند اینجا همراهِ ما باشند.

ک: تولیدات باز فعلا به چی شکل است؟ مستقیم با دست تولید میشه، قسما دست است قسما ماشین است...یعنی ماشین است که دست انسان او ره به کار می اندازه، یا این که قسما اتوماتیک است؟ به این معنا که مواد خام داخل میشه از او طرف مواد پخته بیرون می برایه. یا این که کاملا اتوماتیک است؟

ABNPrivaKabul26082018: نخیر نی. این خو این طور یک چیز است که باید هر مواد جداگانه آسیاب شوه، بعد از او یکجای شوه. بعد از او فورمول است که او فورموله خود ما باید ترکیب کنیم، جور کنیم، اینجه باز ما خوب منظم پاک، صفا، موادها ره در جاهای مخصوصش، موادها ره ترکیب می کنیم و بعد از او پاکت های جداگانه داره که در بازار فروخته میشه که به اندازه پنجاه گرام و صد گرام ... که بعد از او گرفته میشه و ترازو است در او انداخته میشه. مثلا پنجاه گرام مواد. بعد از او ماشین پرس است که سر همو پلاستیک ره پرس می کنه و دیگه ماشینی داریم که آسیاب می کنه موادها ره. دیگه فعلا فقط همین دو ماشین است.

ک: دو ماشین است و متباقی با دست میشه؟

ABNPrivaKabul26082018: با دست میشه، ها. فقط یک ...بین قوطی میافته و قوطی سرش شرش میشه و دیگه آنقدر...کار چیز نداره که به ماشین ضرورت باشه و به کارمند زیاد ضرورت باشه.

ک: نرخ حد اوسط یک، مثلا، شما به بسته گگی می فروشید، پرچون می فروشید؟ به چی شکل می فروشید؟

ABNPrivaKabul26082018: ما خو فعلا در اینجا همو بسته گگی سودا می کنیم که کس های داریم که می آیند موتر است، بار می کنند و می برند به دوکان ها توزیع می کنند.

ک: یک یک بسته مثلا؟

ABNPrivaKabul26082018: بله ها. مثلا در یک بسته‌ی ما شش دانه [پاکت] است. که او پیک [“pack” in a Pakistani dialect] شدگی است همو شش دانه. همو فقط شش دانه ای است. که باز از او هر قدر خواستند برایشان داده می رویم. کارتن خواستند ...مثلا بعضی دکان ها است فقط یک بسته کار دارند. اما بعضی جاها است که کارتن کار دارند. باز برای آنها هم بستگگی اش را بیع کردیم و هم کارتن هایش هم است.

ک: باز [طرز سوال نامطمین] یک بسته را چند می فروشید؟

ABNPrivaKabul26082018: خوب، یک بسته ره ما فعلا در حدود [long stalling] یک صد و پنجاه افغانی میشه، شش قوطی اش. که فی قوطی بیست و پنج افغانی میشه.

ک: این طور، به خاطر تولیداتان، نفر برای شما سفارش می کنه و [سپس شما] تولید می کنید یا پیش‌تولید می کنید، در گدام می مانید و خریدار پیدا شد یا نشد [تفاوت نمی کنه]. یعنی به اساس یک تقسیم اوقات؟ چی رقم [تولید می کنید]؟

ABNPrivaKabul26082018: بله ها. همین رقم است. ما بر اساس یک تقسیم اوقات و ما [تقسیم اوقات] جور کدیم، داریم در گدام. بعد از او بازاریاب های ما هستند و دکان های ما هستند برای تمامشان توزیع می کنیم.

ک: خو خو خو. تا به حال در همین سه ماه به همین شکل تولید کرده اید؟

ABNPrivaKabul26082018: به همین شکل است. از وقتی که همین مواد ما به بازار رفته بسیار وقت کم میشه. شاید در حدود یک ماه شوه. که ما سر این کار کرده ایم که این ده بیرون ده بازار بره. در مجموع سه ماه میشه که برایتان گفتم پلان کردیم، این جایه گرفتیم، مواد آوردیم، او آسیاب شد.

ک: پس یک ماه میشه که شروع کردید توزیع ره در مارکیت؟

ABNPrivaKabul26082018: و در حدودی شاید ...بسیاری دکان ها از این دارند و بسیار خیلی خوش شدند و ستایش کردند و خیلی افتخار کردند که وطنی است و اینجه جور میشه [گفتند] "بسیار خوب است".

ک: حد اکثر توانایی تولیدتان چقدر است؟ مثلا در یک ماه چقدر می توانید تولید کنید؟ بر اساس بسته، فرض کنیم صد بسته، دو صد بسته، در یک ماه چقدر بسته تولید می توانید؟

ABNPrivaKabul26082018: ما در یک ماه اگر مکمل سر بسته کاری بنشینیم و سر تولید باشیم شاید در حدود شش هزار یا هفت هزار بسته جور کنیم.

ک: شش، هفت هزار بسته؟

ABNPrivaKabul26082018: بله

ک: حالی فعلا در همین یک ماه چند بسته جور کردید؟

ABNPrivaKabul26082018: فعلا هم در یک همین یک ماه تقریبا پنج، شش هزار بسته شده است.

ک: این طور هم شده که مثلا این پنج شش هزار بسته فروش نرفته باشه. در گدام باقی مانده باشه؟

ABNPrivaKabul26082018: بله ها. فعلا هم زیادترش در گدام است. چون ما اول تمامشه جور کدیم، گدام کردیم. بعد از او رفتیم سر بازاریابی.

ک: پس از شما دیگر یک تجربه نو است.

ABNPrivaKabul26082018: تجربه نو است، ها.

ک: دیگه شرکت ها هم است که کار مصالح می کنند، در کابل؟

ABNPrivaKabul26082018: نمی فهمم. شاید باشند اما این قسم نیست که مثلا قوطی جور کنند، پاکت جور کنند. فقط مثلا در مندوی است، اینجاست، دکان ها است. خودشان موادها ره می آورند، همونجه ترکیب می کنند همونجه می باشه. یعنی قوطی و پلاستیک نیست که مثلا در داخل پلاستیک این پیک شوه، در قوطی بیافته و قوطی پیک شوه. او رقم نیست.

ک: به خاطر ایجاد شرکت باز منبع مالی طبعا نیاز است. شما این را از بانک قرض گرفتید، که پس باز در بدل انترست پس می دهید یا کمک مالی دولت بوده، یا کاملا شخصی بوده، یا کدام ان جی او برای شما کمک کرده؟

ABNPrivaKabul26082018: نخیر نی، مکمل شخصی بوده. نه دولت کمک کرده، نه کدام ان جی او. اما اگر برای ما کدام ان جی او یا دولت کمک کنه بسیار خوب میشه. و این هم باعث افتخار ما میشه.

ک: ارزش کلی دارایی های شرکت به چی اندازه است، همین فعلا مثلا چقدر سرمایه گذاری کرده اید؟

ABNPrivaKabul26082018: فعلا خو در حدود پنج هزار دالر، شش هزار دالر سرمایه گذاری کرده ایم.

ک: به شمول مواد خام...؟

ABNPrivaKabul26082018: [بله] به شمول مواد خام و همه چیز

ک: معاش کارگرها باز چند است؟

ABNPrivaKabul26082018: معاش کارگرها مختلف است. مثلا یک کارگر ما است که نیم روز کار می کند. معاش او فرق می کنه با کارگری که از صبح وقت هشت بجه می آید تا شام کار می کند. از هر کس معاشاتشان مختلف است.

ک: چند است مثلا؟

ABNPrivaKabul26082018: مثلا یک [مکث طویل] از شش هزار گرفتگی شده است تا همو چهار هزار است.

ک: چهار هزار...کسی که نیم روز کار کند چهار هزار ...؟

ABNPrivaKabul26082018: [بله] چهار هزار. و کسی که پوره کار می کنه شش هزار.

ک: شرکت باز شامل کدام اتحادیه کارگری هم است؟ کدام عضویت ره گرفته اید از کدام ...؟

ABNPrivaKabul26082018: نخیر نه. تا به حال نه!

ک: این بخش دیگر بیشتر تغییراتی که در وضع زندگی...هنوز که خیلی زود است که ...چی تغییراتی مثلا رونما شده در بخش، تحولی که در زندگی یک نفر می آید بعد از این که وارد کار تولید میشه، تجربه شما چی بوده در این، مثلا، یک ماه یا سه ماهی که، یا همین یک ماهی که داخل این کار شده اید؟ چی تغییراتی آمده؟

ABNPrivaKabul26082018: تغییرات خیلی خوب آمده. خو این کاری است، بزنس یک کاری است که باید دوامدار باشه. و این طور نیست که یک دمی مثلا بالا برود یا یک دمی کامیاب شوه. بسیار وقت کار داره، بسیار مشکل است که هر چقدر سر بازار کار شود همانقدر خوبترتر [کاربرد اشتباه گرامری] میشه. که مثلا بازاریابی ها باشه، به دکان ها رفته شوه، همین مواد تمامش نشر شوه و بگویه [گفته شوه] که این مواد چی رقم است، یک ذره وقت می گیره.

ک: این کار را کی می کنه، شما می کنید؟

ABNPrivaKabul26082018: او را هم مدیر صاحب است، همینجه که آمده بودند، اینها هم می کنند. و غیر از او یک دو نفر دیگر هم است که آنها هم همین کار ره می کنند که از خود موتر دارند می آیند از همینجه از پیش ما می برند. آنها پیش از قبل مشتری داشته اند. یعنی چند محصول دیگر را هم به فروش می رسانند.

ک: آنها که از طرف شما معاش نمی گیرند؟

ABNPrivaKabul26082018: نخیر نی. آنها فقط همین مثلا کارتن، مثلا قوطی ره که می گیرند، فقط از او یک کمی فیصدی خود ره می گیرند خلاص.

ک: کمیشن می گیرند...!

ABNPrivaKabul26082018: [بله] کمیشن کاری می کنند.

ک: در قسمت تصمیم گیری در خود شرکت، تصمیم به دست کی است، شما ساختار تصمیم گیری چگونه است؟

ABNPrivaKabul26082018: تصمیم گیری اش ره خو فعلا تقریبا اگر بگویم که 75 درصد به دست خودم است. که هر چیز باشه می گیرم. باز هم اگر تصمیم های کلان باشه باز همراه رییس عمومی ما، باز همراه او هم مشوره می کنیم که این کار چطور شوه. دیگر، در کل تصمیم گیری های روزمره و ماهانه تمامش در دست خودم است.

ک: باز به کارگرها برعلاوه معاش دیگر چی خدمات ارایه می کنید؟

ABNPrivaKabul26082018: فعلا دیگر او قدر خدمات نیست. مثلا، همو یک، مثلا نانی که روزانه است...

ک: خوب خوب

ABNPrivaKabul26082018: ها. همو است. دیگر او قدر خدمات نیست.

ک: دو، سه وقت نان می دهید برایشان. چی رقم استخدام کردید اینها را، از کجا هستند؟

ABNPrivaKabul26082018: تمامشان از دوست های ما استند. مدیر صاحب هم که است پسر کاکایم است. دیگر، همینطور دوست ها که استند از هر جای آمده اند، معرفی شده اند، همراهشان گپ زده ام.

ک: [پس] از طریق روابط شخصی آمده اند.

ABNPrivaKabul26082018: ها روابط شخصی آمده اند کلشان.

ک: با شرک های دیگر، با شرکت های دیگری که در عین صنعت مصروف هستند ارتباط ندارید؟

ABNPrivaKabul26082018: نخیر نی.

ک: یعنی شرکت های دیگری که تولید مصالح جات کنند...؟!

ABNPrivaKabul26082018: واقعیت در کابل نخواهد ...نمی فهمم خودم درست که باشه. اما در مصالح جات زیادترش از بیرون از افغانستان می آید.

ک: مواد خام تان را از کجا به دست می آورید؟

ABNPrivaKabul26082018: مواد خام ما از مندوی است. ها از آنجا می گیریم.

ک: آنها باز، مثلا، از کجا به دست می آورند؟

ABNPrivaKabul26082018: شاید آنها...ما کوشش می کنیم که زیادترش از همین ولایت های افغانستان که است، مواد طبیعی داریم، زیاد است. کوشش می کنیم که از اونجه بیایه. حالی بسیاری ولایت ها چیزهای که ما ضرورت داریم تمامشه دارند. باز اگر احیانا بعضی موادها که اینجه کار میشه در فورمول باید انداخته شوه، اگه او نباشه باز از بیرون می آوریم. از کشورها می آوریم.

ک: مثلا، زیره از کجا می آیه؟

ABNPrivaKabul26082018: زیره از بدخشان می آیه، از هلمند است. بسیار زیره های خوب داریم. او زیره ها می آید اینجا. اونجه ما خودما نفر هم داریم، برای ما می آورند. از همو زیره ی بسیار خوب.

ک: برای دیگر بخش ها مثلا، برای پکجنگ و پلاستیک و دیگر ...؟

ABNPrivaKabul26082018: تمامش همینجه در کابل میشه. مطبعه ها هستند برای آنها همین قوطی ها ما و پلاستیک های ما فرمایش دادیم خودشان همینجه جور کرده اند [پاسخ خیلی زود و آماده]

ک: پس قوطی، همه چیز در کابل تولید می شوند؟

ABNPrivaKabul26082018: همینجه در کابل تولید میشوند. بله. شرکت های افغانی هستند [تأکید بالای افغانی بودن]، مطبعه ها هستند همینجه تمامش جور میشن.

ک: در قسمت خدمات دولت چی، مثلا کدام نهادی است که همراه او شما در ارتباط باشید؟ در قسمت نمایشگاه ها یا در قسمت ارایه ی معلومات یا در هر بخش دیگری برای شما کمک کرده باشه؟

ABNPrivaKabul26082018: تا فعلا که نخیر نی. فقط ما در همین اولین نمایشگاه ساخت وطن که بود در شهر نو، در همونجه ما فقط اشتراک کردیم. بس. و دیگر تا فعلا آن طور [نامفهوم] نیست که ما همراهشان آشنا شویم ده دولت همراه ما کمک کنه. فعلا آن طور کسی نیست.

ک: نهادی که شما از آن جواز گرفته اید، آنها به شما همین قدر هم نگفتند که ما [کشور] در کدام بخش به سرمایه گذاری ضرورت داریم، این بخشی که شما می روید [مثلا] شاید ...مفادهایش این است و نقص هایش این است، کدام چیزی برای شما ....[گفتند]؟

ABNPrivaKabul26082018: نخیر. او قدر معلومات ندادند. فقط همو جوازه گرفتیم، آمدیم خود ما نظری به تحقیقاتی که کم کم کرده بودیم همی انگیزه شد که همی کار ره شروع کنیم.

ک: بازاریابی و فروشاتتان باز بیشتر در کدام شهر میشه؟

ABNPrivaKabul26082018: همینجه، فعلا فقط در کابل است.

ک: مارجن مفادتان باز چند است از یک بسته ای که می فروشید؟

ABNPrivaKabul26082018: از یک بسته که فعلا بسیار کم است. همو یک قوطی که ما به فروش می رسانیم در حدود بیست و پنج افغانی است که به فروش می رسانیم. او برای ما به بیست و سه افغانی تمام میشه. که دو افغانی ما در او فایده می کنیم. به خاطر از این که همو موادی که خاص است، او یک ذره قیمت است. دیگه از همو خاطر همین قدر فایده داریم.

ک: فروشاتتا باز بیشتر به شکل اوگرایی است یا به شکل نقد می فروشید؟

ABNPrivaKabul26082018: نخیر نی. فعلا خو در کابل تمامی همین شرکت های که است، تمام محصولاتی که است به اوگرایی است.

ک: پس شما هم...

ABNPrivaKabul26082018: بله ها از ما هم همین قسم است.

ک: به خریدارها توزیع کرده اید و بعدا ...؟

ABNPrivaKabul26082018: بله. که بعدا مثلا یک هفته بعد، ده روز بعد می رویم برایشان می گویم که چی نیازهای دیگر دارند، بعدا [در همان موقع] یک مقدار پول هم می دهند.

ک: خوب، آنها می گویند که چی چی نیاز دارند؟

ABNPrivaKabul26082018: ها. بعد از آن که مثلا ما بعد از همین ده روز که ما برایشان بردیم آنها طبعا چیزی اش را به فروش می رسانند. بعد از او برای ما می گویند که این چیزها ره ما کمبود کردیم، فروختیم، جنس خوب بود، مردم خوش کردند، برای ما دیگر هم بیاورید.

ک: بازاریابی تان پس بیشتر رو در رو است. می روید با مشتری مستقیم گپ می زنید؟

ABNPrivaKabul26082018: گپ می زنیم، بله ها.

ک: تلیفونی یا انترنت و این چیزها که نیست؟

ABNPrivaKabul26082018: نخیر نی. خوب، دکاندارها است و آن قدر چیز نیست. خوب، فعلا مجبور هستیم که خود ما برویم از نزدیک همراهشان گپ بزنیم، مواده برایشان نشان بدهیم. تا که آنها قبول کنند.

ک: از تجربه یتان بگویید، که تا به این مرحله که پیش آمده اید، با چی مشکلات مواجه شده اید؟ یک ماه [طبعا] یک مدت کوتاه است. با آنهم چی مایوسیت ها بوده چی امیدواری ها بوده در همین مدت [برای ادامه ی تولید] در این مدت یک ماه، یک و نیم ماه یا سه ماهی که فعال بوده اید؟

ABNPrivaKabul26082018: واله بسیار زیاد گپ ها ره شنیدیم. مثلا همین حالی ما در افغانستان زندگی می کنیم ...همینجه، از افغانستان هستیم اما همین مال ما ره کس قبول نمی کنه. میگن که از این کرده از بیرون خوبتر است. اما آنها به حال تست نکرده اند، ندیده اند، [از همین خاطر] این رقم می گویند. اما بسیاری کس ها ایراد می گیرند که مثلا قوطی این طور است. باید اینش تغییر شوه، اینش تغییر شوه. هر کس نظریات خوده میگه. هر کس گپ خوده می زنه. اما باز هم ما کوشش به این می کنیم، ما آنها را کوشش می کنیم که قناعت بدهیم. که مال افغانی است، همینجه جور شده ...

ک: این گپ ها ره دکاندارها می زنند؟

ABNPrivaKabul26082018: بله، بعضی دکاندارها. بعضی شان می گویند که مثلا ما مال کشورهای بیرون ره می آوریم که بسیار خوبتر است نسبت به مال افغانی.

ک: مال کجا ره می آورند مثلا؟

ABNPrivaKabul26082018: مثلا زیادتر از پاکستانی ره می آورند.

ک: شما نمی توانید بگویید که مثلا مواد خام شما هم پاکستانی است؟

ABNPrivaKabul26082018: از ما؟

ک: بله.

ABNPrivaKabul26082018: نخیر...از ما...

ک: به خاطر رشد بازاریابی.

ABNPrivaKabul26082018: خوب باز. ما کوشش می کنیم که از اول همان طور صادقانه پیش برویم. همو وقتی که ما در قوطی های خود در تمامش بیرق افغانستانه زدیم، تولید افغانستان نوشته کرده ایم، مال هم...کوشش می کنیم نام افغانستان ره بکشیم. نمی خواهیم از دیگر جای کاپی شوه یا قسمی که مثلا ... ما به خاطری که بازار، رُشد بازار خود نام یک جای دیگر ره بگیریم.

ک: در یک روز چند ساعت کار می کنید؟

ABNPrivaKabul26082018: ما در یک روز شاید تقریبا از ساخت هشت شروع می کنیم تا به ساعت چهار، چهار و نیم، تا پنج. تا بعضی وقت ها اگر کار زیاد باشه تا شش هم کار می کنیم. اما مثلا در وقتِ غذای چاشت تفریح است. برای ادای نماز، وضو، داریم.

ک: یک سوال آخر در قسمت انگیزه یتان است. یک صبح [مثلا] برخواستید و گفتید که می خواهید یک شرکت باز کنید. چرا در بخش تولید و خاصتا در بخش مصالح جات؟ چی باعث شد که در همین بخش خاص... چون بخش های مختلف وجود داره، بخش خدمات وجود داره، بخش...؟

ABNPrivaKabul26082018: انگیزه این بود که ما [scripted response]...در اول هم این گپ را گفتم که چون غذا خیلی مهم است در زندگی و توسط همین غذا بسیاری امراض به وجود می آیه...

ک: شما چی وقت به همین درک رسیدید ...؟

ABNPrivaKabul26082018: ما مثلا وقتی به همین درک رسیدیم که شاید خوبتر بگوییم که بسیار ظلم میشه سر وطن ما. که مثلا می آورند مواده آورند، هر چیزه می اندازند و به بسیار قیمت های بالا به وطن ما به هموطن ما سودا می کنند. وقتی که او بیچاره می بره که استفاده کنه ...یعنی چیز خراب است، بی کیفیت است.

ک: شما این ره تجربه کرده اید؟

ABNPrivaKabul26082018: ما این ره صد فیصد تجربه کرده ایم. یعنی همو تجربه خود ما است که می گوییم که باید از این جلوگیری شوه. و این مشوره کردیم، انگیزه شد، و خواستیم همین طور یک چیز جور کنیم که حد اقل حد اقل کمی جلو کار از آنها ره بگیریم خیلی خوب میشه. و این که بعد از او کار ما رشد می کنه، همینجه تمامش می آیه، همینجه تمامش مردم افغانستان است که می آیه همراه ما کار می کنه. و به اقتصاد از آنها هم کمک میشه.

ک: تحصلاتتان در چی حد است؟

ABNPrivaKabul26082018: از مه خو امسال سال آخر مکتب است. دیگه ما قبل از همین هم شرکت لوژستیکی داشتیم که در او هم تقریبا یک سال، دو سال کار کردیم. تمام مدیریتش، تمام کارهای آن هم به عهده خودم بود.

ک: از برکت، مثل، درآمد شرکت تان [شرکت لوژستیکی تان] توانستید این شرکت را ایجاد کنید؟

ABNPrivaKabul26082018: بله ها. همین رقم است. مثلا شرکت لوژستیکی بوده که یک کمی از او درآمد شده که باز می خواستیم این طور یک شرکت تولیداتی هم جور کنیم و ما به کوشش این استیم که به همین نام و به همین برند بعضی موادهای دیگر هم که از خارج می آیند، اونها ره هم سرش کار می کنیم. فکر می کنیم که آنها هم جور شوند.

ک: خب در بخش غذا میشد که یک بخش دیگری را انتخاب کنید که کمکش بیشتر باشه، چرا بخش مصالح جات؟ یکی که دیدگاه ارزشی است که مثلا، اخلاق ...اینش صحیح. دیگر بخشی، جنبه مالی اش هم باید مد نظر باشه. یک شرکت، مثلا، نمیشه که ما بگوییم که خدمت می کنیم به جامعه، به همین اساس پیش بروه. باید درآمد مالی هم داشته باشه. انگیزه مالی چی بود برای همین بخش؟

ABNPrivaKabul26082018: انگیزه مالیش این بود که مثلا اگر،... مه برایتان گفتم که انگیزه ی مالی اش این است که برای ما هم کمک میشه و برای یک دو نفر دیگر هم کمک میشه. و او فامیلی که از این استفاده می کنه برای آنها هم کمک میشه.

ک: چرا مصالح جات مگر؟ می توانستید یک چیز دیگری تولید کنید...

ABNPrivaKabul26082018: خوب به برایتان گفتم که مه خودم دیدم، از دیگر چیز که استفاده کردم از دیگر کمپنی های خارجی که می آیه، مثلا از پاکستان، وقتی که استفاده کردیم واقعا خیلی مایوس شدم که چرا به حق مه، به حق یک هموطن دیگرم این ظلم میشه و ما کور کورانه پیش می رویم و هیچ. به همین خاطر خواستیم که این ره جور کنیم و آنقدر سرمایه ی زیاد هم کار نداشت چون بودجه هم کم بود. دیگر به همین خاطر این ره سرش یک کمی تحقیق کردیم، مثلا نظریات خیلی کس ها ره گرفتیم، برای ما خیلی نظریه ها دادند که این خیلی خوب است. به او خاطر این ره شروع کردیم و ما کوشش می کنیم که وقتی که همین برند ما در این قدر وقت کم حالا هم بسیار در بازارها جای گرفته و این که زیادتر شوه و همین، نام ازی...مثلا، قابل اعتماد شوه که اگر کسی به همین نام دیگر محصول هم باشه از او، مثلا، بتوانند خوب استفاده کنند. ما کوشش می کنیم که سر دیگر چیزها هم کار کنیم، تحقیق کنیم، ببینیم بازاره و انشاالله سر دیگر کارها هم کوشش می کنیم.

ک: کس های که مشوره دادند کی ها بودند، از دوست ها بودند، اعضای فامیل بودند، اعضای جامعه کمک کردند؟ کی ها بیشتر در مشوره دادن نقش داشتند؟

ABNPrivaKabul26082018: مشوره دادن بیشتر همین دوست های ما. برای ما یک دوست دیگر ما است در همین مندوی. او کار دوای یونانی ره می کنه. خیلی مشهور است. او برای مه گفت که دو سال پیش گفت که همین کار مصالح ره می کردم بسیار خوب بود. گفت از پاکستان "می‌آورد" [دفعتا تغییر به شخص سوم]. گفت بعد از دو سال مه فهمیدم که این مصالح نیست، فقط بوره اره ره برای مه رنگ کرده اند و برای مه میتن و مه اینجه آورده می روم. بعد از این که مه فهمیدم که این مواد خام فقط ...فقط او مواد خام می آورد و پر می کرد و سودا می کرد. یعنی او طور نبود که خودش مواد خامه بیاره، آسیاب کنه، جور کنه. دیگه باز برای ما گفت که شما اگر مواد خامه می گیرید، مواد خالص باشه، از همین افغانستان باشه، این بسیار خوب است، رشد می کنه. بسیار ما ره تشویق کردند در این کار. به خصوص فامیل ما ره هم زیادتر. بعضی اعضای فامیل دیگری که مثلا خویشاوندها هستند که برای آنها دادیم نمونه. آنها که پخته کردند دیدند کیفیت ره، بسیار تشویق کردند.

ک: مه به خیر یک سه، چهار سال بعد پس که آمدم، می آیم مصاحبه می گیرم که کمپنی در کجا رسیده